

# جنگ نرم چیست؟

جنگ نرم مترادف اصطلاحات بسیاری در علوم سیاسی و نظامی است. در علوم نظامی از واژه هایی مانند جنگ روانی یا عملیات روانی و در علوم سیاسی از واژه هایی چون براندازی نرم، تهدید نرم، انقلاب مخملین و اخیرا به واژه انقلاب رنگین برای تبیین این اصطلاح استفاده می‌شود.



گاهی به جای جنگ از واژه های تهدید یا قدرت نیز استفاده می شود، ولی در نهایت هر دوی یک مفهوم ختم می شوند. نظریه جنگ نرم طی دهه های اخیر وارد ادبیات سیاسی شده است و "ژوزف نای" از اندیشمندان معاصر معتقد است، مبنای قدرت سخت یا جنگ اجبار" و مبنای قدرت نرم بر "اقتناع" است، او برخلاف بعضی از صاحب نظران، اقتصاد و دیپلماسی را در زیرمجموعه "سخت بر قدرت سخت قرار داده و تنها از رسانه بعنوان قدرت نرم نام می‌برد.

مبنای قدرت سخت یا جنگ سخت بر "اجبار" و مبنای قدرت نرم بر "اقتناع" است.

## جنگ روانی، جنگ نرم

جنگ روانی پیشینه ای بسیار طولانی دارد؛ چرا که انسان‌ها برای تحت تأثیر قرار دادن طرف مقابل به شیوه‌ها و ترفندهایی متوسل می‌شدند، اما اصطلاح جنگ روانی در جنگ جهانی دوم در آمریکا و اروپا رواج یافت.

فولر، مورخ و تحلیلگر نظامی بریتانیایی اولین کسی بود که اصطلاح جنگ روانی را در سال ۱۹۲۰ به کار برد. در آن زمان استفاده فولر از واژه جنگ روانی در محافل نظامی و علمی بریتانیا و آمریکا توجه چندانی را به خود جلب نکرد. در با انتشار مقاله ای با عنوان "جنگ روانی و چگونگی به راه اندازی آن" این اصطلاح برای اولین بار وارد 1940 ژانویه ادبیات آمریکا شد. بر این اساس "جنگ روانی را باید استفاده از هر نوع وسیله ای به منظور تأثیر گذاری بر روحیه و وارد "رفتار یک گروه با هدف نظامی مشخص معنا کرد". در پایان جنگ جهانی دوم این اصطلاح به "فرهنگ لغت وبستر شد و بخشی از عبارت پردازی‌های سیاسی و نظامی آن زمان را تشکیل داد.

در سال ۱۹۵۰ یعنی تنها یکسال پس از پایان جنگ جهانی دوم "ترومن"، رئیس جمهور وقت آمریکا به منظور کسب آمادگی برای اجرای جنگ روانی در کره پروژه‌ای با عنوان "نبرد حقیقت" را با بودجه‌ای معادل ۱۲۱ میلیون دلار تصویب کرد. ارتش آمریکا اداره و ریاست جنگ روانی را به عنوان بخش ستادی ویژه ایجاد کرد و در کنار واحدهای رزمی، واحدهای جنگ روانی گسترده‌ای را با استفاده از تجربیات جنگ جهانی دوم تشکیل داد. از آن زمان تاکنون، سازمان‌ها و واحدهای روانی - تبلیغاتی آمریکا با توسعه‌ای روزافزون همواره به عنوان یکی از بازوهای اصلی آن کشور در جنگ و صلح عمل کرده‌اند.

## تفاوت‌های جنگ نرم و جنگ سخت

- ۱- حوزه تهدید نرم اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است، در حالی که حوزه تهدید سخت امنیتی و نظامی می‌باشد؛
  - ۲- تهدیدهای نرم پیچیده و محصول پردازش ذهنی نخبگان و بنابراین اندازه‌گیری آن مشکل است، در حالی که تهدیدهای سخت؛ عینی، واقعی و محسوس است و می‌توان آن را با ارائه برخی از معیارها اندازه‌گیری کرد؛
  - ۳- روش اعمال تهدیدهای سخت، استفاده از زور و اجبار است، در حالی که در نرم، از روش القاء و اقناع بهره‌گیری می‌شود. و تصرف و اشغال سرزمین است در حالی که در تهدید نرم، هدف تاثیرگذاری بر انتخاب‌ها، فرآیند تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری حریف و در نهایت سلب هویت‌های فرهنگی است؛
  - ۴- مفهوم امنیت در رویکردهای نرم شامل امنیت ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی می‌شود، در حالی که این مفهوم در رویکردهای سخت به معنای نبود تهدید خارجی تلقی می‌گردد.
  - ۵- تهدیدهای سخت، محسوس و همراه با واکنش برانگیختن است، در حالی که تهدیدهای نرم به دلیل ماهیت غیر عینی و محسوس آن، اغلب فاقد عکس‌العمل است.
  - ۶- مرجع امنیت در حوزه تهدیدهای سخت، به طور عمده دولت‌ها هستند، در حالی که مرجع امنیت در تهدیدهای نرم محیط فروملی و فراملی (هویت‌های فروملی و جهانی) است؛
  - ۷- کاربرد تهدید سخت در رویکرد امنیتی جدید عمدتاً مترادف با فروپاشی نظام‌های سیاسی- امنیتی مخالف یا معارض است، در حالی که کاربرد تهدید نرم در رویکردهای امنیتی جدید علیه نظام‌های سیاسی مخالف یا معارض، مترادف با فرهنگ‌سازی و نهادسازی در چارچوب اندیشه و الگوهای رفتاری نظام‌های لیبرال و دموکراسی تلقی می‌شود.
- جنگ نرم نیز همانند جنگ سخت اهداف مختلفی دارد و قاعدتاً هدف غایی هر دو آنها تغییر کامل نظام سیاسی یک کشور است که البته با اهداف محدودتر هم انجام می‌گیرد. در حقیقت جنگ نرم و جنگ سخت یک هدف را دنبال می‌کنند و این وجه مشترک آنهاست، در هر صورت هدف اصلی این جنگ، اعمال فشار برای ایجاد تغییر در اصول و رفتار یک نظام و یا به طور خاص تغییر خود نظام است.

## اهداف جنگ نرم

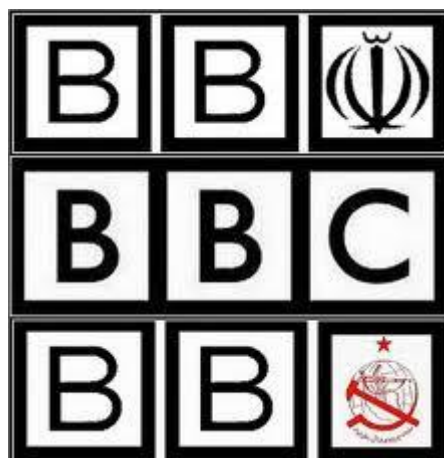
- ۱- استحاله فرهنگی در جهت تاثیرگذاری شدید بر افکار عمومی جامعه مورد هدف با ابزار خبر و اطلاع رسانی هدفمند و کنترل شده که نظام سلطه همواره از این روش برای پیشبرد اهداف خود سود جسته است.
- ۲- استحاله سیاسی به منظور ناکارآمد جلوه دادن نظام مورد هدف و تخریب و سیاه‌نمایی ارکان آن نظام.
- ۳- ایجاد رعب و وحشت از مسائلی همچون فقر، جنگ یا قدرت خارجی سرکوبگر و پس از آن دعوت به تسلیم از راه پخش شایعات و دامن زدن به آن برای ایجاد جو بی‌اعتمادی و ناامنی روانی.
- ۴- اختلاف افکنی در صفوف مردم و برانگیختن اختلاف میان مقام‌های نظامی و سیاسی کشور مورد نظر در راستای تجزیه سیاسی کشور.
- ۵- ترویج روحیه یاس و ناامیدی به جای نشاط اجتماعی و احساس بالندگی از پیشرفت‌های کشور.
- ۶- بی‌تفاوت کردن نسل جوان به مسائل مهم کشور.
- ۷- کاهش روحیه و کارایی در میان نظامیان و ایجاد اختلاف میان شاخه‌های مختلف نظامی و امنیتی.
- ۸- ایجاد اختلاف در سامانه‌های کنترلی و ارتباطی کشور هدف.
- ۹- تبلیغات سیاه (با هدف براندازی و آشوب) به وسیله شایعه‌پراکنی، پخش تصاویر مستهجن، جوسازی از راه پخش شب‌نامه‌ها و...

۱۰- تقویت نارضایتی های ملت به دلیل مسائل مذهبی، قومی، سیاسی و اجتماعی نسبت به دولت خود به طوری که در مواقع حساس این نارضایتی ها زمینه تجزیه کشور را فراهم کند.  
۱۱- تلاش برای بحرانی و حاد نشان دادن اوضاع کشور از راه ارائه اخبار نادرست و نیز تحلیل های نادرست و اغراق آمیز.  
جنگ نرم به ابزارها و امکاناتی نیاز دارد تا بتواند به اهداف خود جامه عمل بپوشاند.

نمونه هایی از جنگ نرم علیه ایران:

جنگ رسانه ای:

این شبکه ها همگی با هدفی مشترک با اشکال متفاوت سعی در براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران دارند.



و در آخر هواستان را بیشتر جمع کنید

